

طراحی نظام دوسویه دانش و اطلاعات کشاورزی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی

دکتر پیمان فلسفی*، دکتر سید محمود حسینی*

چکیده

نهادینه شدن مشارکت مبحثی است که در چند دهه اخیر به شکلهای مختلف در محافل و مجامع علمی - ترویجی مطرح بوده، اما در کشور ما آن گونه که شایسته آن است بدان توجه نشده است. از سویی زمینه‌های بسیار متعدد و متنوعی در بخش کشاورزی و در جوامع روستایی وجود دارد که با شناسایی و به کارگیری آنها می‌توان تحولات عظیمی در عرصه ترویج کشاورزی به وجود آورد.

براین اساس هدف کلی تحقیق حاضر طراحی یک مدل ترویجی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی و صنفی است. روش به کاررفته در این تحقیق، روش ترکیبی یا توأمان است. در این روش با به کارگیری دو رهیافت کیفی و کمی می‌توان به سئوالات تحقیق پاسخ گفت و به هدفهای آن دست یافت. در فاز کیفی تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی توصیفی پس از استقرار محقق در منطقه مورد مطالعه به مدت شش ماه تعداد ۲۱ نمونه روستایی و برخی مسئولان محلی به طور هدفمند با استفاده از روش

* به ترتیب: پژوهشگر ترویج کشاورزی و استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران
e-mail: pfalsafi@hotmail.com

نمونه گیری «گلوله برفی» انتخاب شدند. این تحقیق در فاز کمی از نوع پیمایشی همبستگی بوده که در رهگذر دستیابی به هدف کلی مورد نظر، یعنی طراحی مدل ترویجی برای نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی، با استفاده از ابزار پرسشنامه و نمونه گیری طبقه ای تصادفی و انتخاب ۱۳۸ پاسخگو، به آزمون فرضیه های مختلف و بررسی ابعاد گوناگون جامعه مورد مطالعه در ارتباط با هدف کلی پرداخته است.

از تلفیق یافته های تحقیق در دو بخش کمی و کیفی، مدل دوسویه دانش و اطلاعات به منظور نهادینه کردن مشارکت در تشکلهای تولیدی به دست آمد. این مدل ابعاد متعددی دارد و از آن می توان در فرایند ایجاد دگرگونی در نظامهای بهره برداری استفاده کرد.

کلید واژه ها:

مشارکت، نهادینه شدن، سازمان کشاورزان، پارادایم

مقدمه

اگر بپذیریم که یکی از مهمترین نقشها و وظایف ترویج ایجاد و تقویت سازمانهای کشاورزان است (Swanson & et al., 1997)، به جرأت می توان گفت که در این میان حلقه مفقوده چیزی نیست جز سر درگمی نهاد ترویج کشاورزی در قبال سازمانهای کشاورزان موجود- اعم از رسمی و یا غیررسمی و سنتی و یا مدرن- و بلا تکلیفی این سازمانها نسبت به نقشی که می توانند در فرایند نشر نوآوریها و ترویج یافته های علمی-تحقیقاتی ایفا کنند. همین مسئله سبب شده است که نقش کشاورزان در تحقیق و ترویج کشاورزی، در قالب یک نظام زراعی منسجم و کارآمد مورد غفلت واقع شود؛ غفلتی که با توجه به شرایط حاکم بر ساختار کشاورزی کشور ما از نظر بالا بودن تعداد بهره برداران و پراکندگی اراضی آنها و دیگر موانع موجود بر سر راه توسعه کشاورزی تا کنون هزینه های بسیار زیادی را بر این بخش تحمیل کرده است. این در حالی است که امروزه در کشور ما در بخش کشاورزی و مناطق

...

روستایی نه دیگر اثری از ساختار منسجم و کارآمد نهادهای تولیدی سنتی مانند «بنه» (ازکیا، ۱۳۶۹؛ صفی نژاد، ۱۳۵۴) دیده می شود و نه سازمانهای جدید به وجود آمده در پیکره بخش کشاورزی توانسته اند به طوری شایسته از عهده وظایف محوله برآیند.

با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه ای در دهستان سگزآباد از توابع شهرستان بوئین زهرا با هدف کلی طراحی مدل ترویجی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی - صنفی انجام گرفت.

این مطالعه با نگرشی نظام مند به روستا به عنوان یک سازمان تولیدی و کشاورزان به عنوان اعضای این سازمان، به ترسیم و تبیین فضای نهادی - مشارکتی مطلوب برای ترویج کشاورزی پرداخته و رابطه بین اجزای سازمان تولیدی روستا (سازمان کشاورزان روستا) را در نظام دوسویه دانش و اطلاعات کشاورزی مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. براین اساس، در فاز کیفی تحقیق حاضر، پژوهشگران در جستجوی یافتن مهمترین زمینه های مشارکت کشاورزان و چگونگی نهادینه کردن آنها در قالب تشکلهای سنتی و جدید و نیز پی بردن به نقش و نحوه تأثیر ترویج کشاورزی در این تشکلهای در پنجاه سال اخیر بوده اند. در فاز کمی نیز به بررسی اولویتها و زمینه های مشارکت کشاورزان در زیربخش های مختلف کشاورزی در قالب سازمان کشاورزان روستا و سنجش نگرش کشاورزان درباره عوامل مؤثر بر نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در قالب تشکلهای تولیدی در پنج روستای حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب پرداخته اند.

چارچوب نظری تحقیق

اگر چه مشارکت فردی امروزه به بخشی از ادبیات رایج سازمانهای توسعه دولتی و غیر دولتی تبدیل شده است (Pretty, 1995)، اما بی تردید رشد و پیشرفت جوامع مختلف در گرو مشارکت آگاهانه، آزادانه و داوطلبانه آنها در اجرای برنامه های توسعه و بهره مندی مناسب و متناسب از مواهب آن است. بر این اساس هیچ تعریف واحد و فراگیری از مشارکت

مردمی وجود ندارد. اما در نگاهی کلی می توان گفت مشارکت عبارت است از فرایند اجتماعی، فنی و نهادی که از طریق دخالت کامل جوامع در توسعه خویش و داشتن نقش فعال در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های خاص توسعه ای به وقوع می پیوندد (FAO, 1997a).

امروزه وقتی از مشارکت صحبت به میان می آید نمی توان از کنار مبحث نهادینه شدن آن به سادگی گذشت. براین اساس نهادینه شدن نیازمند ایجاد شرایطی است که تغییر را پایدار کند. به این ترتیب پایداری یکی از مهمترین شاخصهای فرایند نهادینه شدن مشارکت است، به طوری که برخی محققان مانند وی جی آراتنا (Wijayaratna, 1994) فرایند دستیابی به پایداری را نهادینه شدن مدیریت مشارکتی تعریف کرده اند. این در حالی است که به نظر فائو نهادینه شدن عبارت از فرایند پذیرش و پایداری رهیافت توسعه برنامه مشارکت مردمی در مناطق عملیاتی است (FAO, 1997b).

بر این اساس اگر چه نهادینه شدن مبحثی جدید در توسعه روستایی و بخش کشاورزی است، اما در این زمینه مطالعات زیادی توسط محققان ذیربط (مانند منابع ۶، ۹، ۱۳، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۷) انجام گرفته است. به عنوان مثال دیائو (Diao, 1979) در مطالعه خود تحت عنوان «مسائل و احتمالات در نهادینه کردن مشارکت مردم روستایی در فرایند توسعه کشورهای آفریقایی» بر عوامل مؤثر بر نهادینه کردن مشارکت در شرایط روستاهای سنگال تأکید کرده است. استیون سون (Stevenson, 1981) نیز بیان می دارد که ایجاد نهادها نباید پایان کار تلقی شود و باید براساس نیازهای توسعه کشور صورت گیرد. در این راستا نهادها باید امکانات موجود و کارکنان را جهت کسب رهیافت سیستمی متناسب با توسعه کشاورزی و انجام دیگر وظایف مربوط به کار گیرند و توانمند سازند.

رولینگ (Roling, 1986) با توجه به تجربه خاص خود در زیمبابوه و بنگلادش بر ایجاد تشکلهای مشارکتی تأکید می کند. در همین حال از تلاشهای به عمل آمده در زمینه توسعه روستایی، که اغلب به عنوان یک ضرورت بر نوآوریهای فنی تأکید دارند نیز انتقاد

...

می‌کند و معتقد است که چهار وظیفه ضروری دیگر نیز در این باره وجود دارد که عموماً در قلمرو توسعه منابع انسانی قرار می‌گیرند. این وظایف عبارتند از: ۱. برانگیختن مردم محلی؛ ۲. ایجاد سازمانهای فنی و روستایی؛ ۳. سازماندهی تشکلهای مشارکتی در جامعه؛ و ۴. آموزش کارکنان مدیریتی در سطح محلی برای ایفای نقشهای فنی در زمینه گسترش نوآوریها. به عقیده رولینگ وظایف ضروری فوق باید در چارچوبی نهادی شامل یک نظام سه‌وجهی از نهادهای خدمات فنی، خانوارها یا گروه‌های روستایی محلی و سازمانهای میانی قرار گیرند.

از مجموعه مطالعات به عمل آمده در این زمینه می‌توان چنین نتیجه گرفت که به طور کلی رابطه ای دوسویه بین نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در قالب سازمانهای محلی روستایی و سهولت جلب مشارکت آنان در این سازمانها مشاهده می‌شود. سانتانام و همکاران (Santhanam & et al., 1982) نیز این رابطه را تأیید می‌کنند و عقیده دارند که نهادینه شدن فعالیت کشاورزان مشارکت بهتر آنان را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، نهادها و سازمانها می‌توانند اقدام جمعی را تسهیل کنند و بر محدودیتهای ناشی از کار فردی فائق آیند (Bass, 1998).

در این میان آنچه اهمیت و جایگاهی ویژه دارد پیوندهای بین ترویج کشاورزی، تحقیقات کشاورزی و کشاورزان است. برخی محققان در مقوله پیوند بین تحقیق و ترویج کشاورزی کار کرده‌اند (Desai & Reddy, 1990). اما به عقیده برخی دیگر از یک سو نبود رابطه منسجم و نزدیک بین سازمانهای ملی تحقیق و ترویج کشاورزی و از سوی دیگر بین این سازمانها و طبقات مختلف کشاورزان و سازمانهای کشاورزان، یکی از مهمترین مسائل نهادی است که وزارتخانه‌های کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند (Swanson & et al., 1997). محققانی مانند رولینگ و انگل (Roling & Engel, 1990) نیز در این زمینه بر نگرش سیستمی تأکید ورزیده‌اند و فهم مسائل نظام فناوری کشاورزی مثل تحقیق، ترویج و کاربر و نیز یافتن راه حل برای آنها را (Hulme, 1990) در چنین چارچوبی تعریف کرده‌اند. به این ترتیب همان‌طور که چمبرز (Chambers & et al., 1989) در نظریه

«اول – کشاورز^۱» خود مشارکت کشاورزان را در تحقیقات کشاورزی و افزایش یادگیری طرفین عاملی ضروری و تعیین کننده در انتقال فناوری دانسته، اوپاف (Uphoff, 1995) نیز به عناصر ضروری برای به کارگیری بیشتر کشاورزان و درگیر کردن مؤثر آنان در فرایند تحقیق و ترویج کشاورزی اشاره کرده است. یکی از این عوامل، تمرکززدایی^۲ از سازمانهای تحقیق و ترویج است، به طوری که تصمیمات عملیاتی عمدتاً در مورد کشاورزان و مزارع آنها گرفته می شود و توسط کشاورزان قابل ارزیابی است. دومین مورد، سازمان کشاورزان است که کاربران را قادر می سازد بین خودشان برای تمرین اقدامات دسته جمعی در یک فرایند، به طور مؤثرتری رایزنی داشته باشند.

سوم، ادغام بهتر فعالیتهای تحقیقی و ترویجی است، به طوری که تمامی این اجزا با یکدیگر ارتباط و تعامل دو طرفه دارند.

اما، چنانکه سوان سون نیز می گوید، نباید فراموش کنیم که سازمانهای تحقیق و ترویج معمولاً بر سر منابع مشترک کمیاب دولتی رقابت می کنند و غالباً رهبران این نهادها خود را بخشی از یک نظام گسترده تر یعنی نظام فناوری کشاورزی^۳ نمی دانند. این مسئله وقتی پیچیده تر می شود که رهیافت نهادی در نظام دانش و اطلاعات کشاورزی^۴ مطرح شود. رولینگ این نظام را به صورت زیر تعریف می کند:

«مجموعه‌ای از سازمانها و یا اشخاص، پیوندها و تعاملات بین آنها که با فرایندهایی مانند پیش بینی^۵، تولید^۶، انتقال^۷، ارسال^۸، ذخیره^۹، بازیابی، ادغام، نشر و بهره برداری از دانش و اطلاعات مرتبط می شوند و آنها را مدیریت می کنند. این مجموعه را می توان به طور

-
1. farmer – first (FF)
 2. decentralization
 3. agricultural technology system (ATS)
 4. agricultural knowledge and information systems (AKIS)
 5. anticipation
 6. generation
 7. transformation
 8. transmission
 9. storage

...

بالقوه و به صورت مشترک برای حمایت از تصمیم سازی ، حل مسئله و نوآوری در کشاورزی و یا هر قلمرو دیگر به کار گرفت».

بنابراین می توان دریافت که یک رهیافت نهادی در نظام دانش و اطلاعات کشاورزی مستتر است. این رهیافت نهادی به نظریه سازی درباره راه هایی می پردازد که مردم و سازمانها به واسطه آنها اطلاعات دریافت و ارسال می کنند و انتقال می دهند و همچنین چگونگی تقابل و تعامل بین این راهها و نقشهای مکملی را که نهادها در ارتباط با یکدیگر بازی می کنند، مشخص می سازد.

مقصود از این رهیافت، بهبود مدیریت یا طراحی نظام دانش و اطلاعات کشاورزی است. به طوری که کارکرد آن از راه های مناسب به وسیله سیاستگذاران ، کشاورزان و دیگر مشارکت کنندگان موجود در این نظام مورد نظر قرار می گیرد.

بدیهی است که در چنین نظامی کشاورزان از جایگاهی ویژه برخوردارند و مهمترین نقش خود را به عنوان منبع اطلاعاتی ایفا می کنند. اویاف در این باره تأکید می کند که اطلاعات مفید برای توسعه کشاورزی و کمک به دانش بومی و دیگر شکلهای آن، که همگی از جمله نتایج نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در قالب سازمانهای کشاورزان است، کار محققان و مروجان را بهبود می بخشد.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق روش «ترکیبی» یا «توآمان»^۱ است. در این روش با به کارگیری دو رهیافت کیفی و کمی می توان به سئوالات تحقیق پاسخ گفت و به هدفهای آن دست یافت. بدیهی است که براین دو رهیافت کیفی و کمی در این تحقیق به طراحی نظام دوسویه دانش و اطلاعات منجر خواهد شد. به این ترتیب از منظر کیفی، مقصود از این مطالعه عبارت است از: بررسی فرایند نهادینه شدن مشارکت کشاورزان و سازماندهی فعالیتهای

1. mixed methodology design

تولیدی آنان در دهه های اخیر در قالب تشکلهای سنتی و نوین و چگونگی تأثیر نهاد ترویج کشاورزی بر این فرایند در روستاهای واقع در حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب از توابع دهستان سگزآباد (واقع در شهرستان بوئین زهرای استان قزوین) از طریق پاسخگویی به سئوالات زیر:

۱. مهمترین زمینه های مشارکت کشاورزان در امور تولیدی در روستاهای حوضه آبریز

رودخانه حاجی عرب در دهستان سگزآباد در پنجاه سال اخیر چه بوده است؟

۲. فرایند سازماندهی مشارکت پایدار کشاورزان در امور تولیدی در قالب تشکلهای تولیدی- صنفی سنتی و نوین در دهه های اخیر در روستاهای حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب در دهستان سگزآباد چگونه شکل گرفته است؟

۳. نهاد ترویج کشاورزی چگونه فرایند نهادینه شدن مشارکت در تشکلهای تولیدی - صنفی سنتی و نوین را در حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب دهستان سگزآباد تحت تأثیر قرار داده است؟

برای یافتن پاسخ سئوالات فوق از روش تحقیق «کیفی توصیفی پایه» استفاده شد. در این شیوه پژوهش محقق علاقه مند است بداند که یک مشارکت جو چگونه موقعیتی یا پدیده ای را معنی می کند. راهبرد مورد استفاده در این نوع تحقیق کیفی، استنباطی و برون داد آن، توصیفی است. در اجرای مطالعه کیفی توصیفی پایه، محقق در جستجوی کشف و فهم یک پدیده، یک فرایند و دیدگاه و جهان بینی مردم مرتبط با آن یا ترکیبی از آنهاست (Meryam & et al., 2002; Meryam, 2001).

در تحقیق حاضر با توجه به گستردگی جامعه مورد مطالعه و ضرورت بهره مندی از نظرات افراد کلیدی جامعه از روش نمونه گیری «هدفمند» و از نوع «گلوله برفی» استفاده شد. به این منظور پس از استقرار محققان در منطقه مورد مطالعه به مدت شش ماه تعداد ۲۱ نمونه روستایی و برخی از مسئولان محلی به طور هدفمند با استفاده از روش نمونه گیری «گلوله برفی»^۱ انتخاب شدند. نمونه گیری گلوله برفی (زنجیره ای یا شبکه ای) عمومی ترین شکل نمونه گیری هدفمند است. در این راهبرد محقق از هر مشاهده شونده، مصاحبه شونده یا گروه

...

مشارکت جومی خواهد که افراد مطلع و مشارکت کنندگان دیگری را معرفی نمایند (Meryam , 2001).

بر این اساس در جریان مشاهدات به عمل آمده در منطقه مورد مطالعه از افراد مطلع، اعضای شوراهای اسلامی روستایی و برخی از مدیران سازمانهای محلی نام و نشانی نمونه ها، مکانها و فعالیتهای قابل مشاهده که بتوانند در راستای هدفهای تحقیق اطلاعاتی در اختیار پژوهشگران قرار دهند گرفته شد. در این باره در هر روستای مورد مطالعه حداقل دو عضو شورای اسلامی روستا و دو کشاورز صاحب نفوذ و باتجربه برای انجام مصاحبه انتخاب گردید. در برخی روستاها تعداد نمونه ها بیشتر از دو نفر نیز بوده است. در همین حال رئیس اداره ترویج مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان بوئین زهرا، رئیس و دو کارشناس مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی این شهرستان و سه مدیر عامل شرکت تعاونی تولید سگز آباد از بدو تأسیس تا کنون و دهیار روستای سگز آباد نیز مورد مصاحبه عمیق، نیمه ساختاریافته و ساختاریافته واقع شدند. به این ترتیب تعداد مطلعان کلیدی در پنج روستای مورد نظر دست کم به ۲۱ نفر رسید. به این تعداد باید ۶ نفر از کارشناسان و مدیران دولتی را نیز که پیشتر به آنها اشاره شد اضافه کرد^۱. این در حالی است که در جریان مصاحبه های غیر رسمی متعدد نیز افراد زیادی از گروه های مختلف روستایی مورد سؤال واقع شدند. به علاوه در حین تشکیل گروههای بحث مشارکتی در هر یک از روستاهای پنجگانه در دهستان سگز آباد تعدادی از افراد مطلع، جوانان، ریش سفیدان و حتی زنان روستایی این روستاها به همکاری دعوت شدند که اطلاعات ارزشمندی در اختیار محققان قرار دادند.

۱. یادآوری می شود که اولین مدیر عامل شرکت تعاونی تولید سگز آباد در حال حاضر رئیس اداره ترویج جهاد کشاورزی بوئین زهرا نیز هست.

ابزار و تکنیکهای جمع‌آوری اطلاعات در این بخش از تحقیق عبارت است از: مشاهده^۱؛ مصاحبه‌های عمیق ساختار یافته^۲ و نیمه ساختار یافته^۳؛ برگزاری جلسات بحث گروهی مشارکتی^۴ با حضور کشاورزان و بررسی اسناد و مدارک موجود.

براین اساس، محققان با استقرار در منطقه و زندگی با روستائیان به مشاهده رفتار و پدیده‌های مورد نظر پرداختند، که دامنه آن از مشاهده گر صرف تا مشارکت‌کننده محض به تناسب موقعیت متفاوت بوده است. مصاحبه‌های عمیق ساختاریافته و نیمه ساختاریافته و یا حتی ساختاریافته نیز در زمانها و مکانهای مختلف و با افراد مطلع و منابع اطلاعاتی کلیدی به دفعات متعدد ترتیب داده شد و مورد استفاده قرار گرفت، در حالی که در هر روستا حداقل در دو مرحله جلسات بحث مشارکتی اجرا شد. در همین حال محققان در سفرهای مکرر به روستاهای مورد مطالعه توانستند به حجم وسیعی از اطلاعات دست یابند که در فرایند تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. بررسی اسناد و مدارک، شامل گزارشهای عمومی، مقاله‌های شخصی، آثار و مصنوعات فیزیکی و برخی از آثار و اسناد تاریخی، بخش دیگری از فنون جمع‌آوری اطلاعات، در جای خود بسیار مفید بوده است که به عنوان یکی دیگر از منابع اصلی داده‌ها نیز در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. درباره تجزیه و تحلیل داده‌ها در فاز کیفی نیز باید گفت از آنجا که نوع مطالعه توصیفی پایه است، در بسیاری از موارد ضمن آنکه دسته‌بندی و مفهوم‌سازی داده‌ها صورت گرفت، به تحلیل توصیفی داده‌ها نیز مبادرت شد که از نتایج آنها در طراحی مدل نهایی استفاده گردید.

این تحقیق در فاز کمی از نوع پیمایشی توصیفی (غیرآزمایشی) است و در راستای دستیابی به هدف کلی مورد نظر، یعنی طراحی نظام دوسویه دانش و اطلاعات کشاورزی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی، از یک سو به دنبال بررسی اولویتها و زمینه‌های مشارکت کشاورزان در زیربخش‌های مختلف کشاورزی در قالب

-
1. observation
 2. structured interview
 3. semi structured interview
 4. participation discussion group

...

سازمان کشاورزان روستا بوده و از سوی دیگر از طریق سنجش نگرش کشاورزان درباره عوامل مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی - صنفی در قالب سازمان کشاورزان روستا به تحلیل عاملی پرداخته است.

به این ترتیب در قالب پارادایم کمی، مقصود از این مطالعه طراحی مدل ترویجی سازمان کشاورزان روستا از طریق هدفهای اختصاصی زیر است:

۱. بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصی، اجتماعی و اقتصادی کشاورزان صاحب نسق در روستاهای حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب در دهستان سگز آباد و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکلهای تولیدی - صنفی در پنج روستای این حوضه آبریز؛

۲. تعیین میزان مشارکت کشاورزان در هر یک از سطوح مختلف مشارکت؛

۳. بررسی نظرات کشاورزان در زمینه تغییرات به وجود آمده در فرایند مشارکت کشاورزان در امور مختلف تولیدی در دهه های اخیر (بوژه درسه مقطع زمانی قبل از اصلاحات ارضی، بعد از اصلاحات ارضی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی)؛

۴. بررسی اولویتهای و زمینه های مشارکت کشاورزان در زیربخش های مختلف کشاورزی در قالب سازمان کشاورزان روستا؛

۵. سنجش نگرش کشاورزان درباره عوامل مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت آنان در تشکلهای تولیدی - صنفی در قالب سازمان کشاورزان روستا در پنج روستای حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب.

بدیهی است برای تحقق هدفهای فوق پیش بینی فرضیه های پژوهش نیز ضروری است که در این راستا ۲۲ فرضیه همبستگی و میانگینی با استفاده از روشهای آماری مختلف آزمون شد. منطقه مورد مطالعه در این تحقیق متشکل از پنج روستای مستقر در حوضه آبریز رودخانه حاجی عرب (شامل سگز آباد، رودک، رستم آباد، یريجان و حاجی عرب) واقع در دهستان سگز آباد از توابع شهرستان بوئین زهرا در استان قزوین است.

جامعه آماری تحقیق حاضر نیز شامل بهره برداران سرپرست خانوار در روستاهای حوضه آبریز یاد شده واقع در دهستان سگرآباد است که تحت پوشش مرکز خدمات کشاورزی بوئین‌زهره و تعاونی تولید کشاورزی روستای سگرآباد قرار دارند. تعداد کل جامعه آماری در منطقه مورد مطالعه در سال زراعی ۱۳۷۹-۸۰ براساس آمار موجود در مراکز پیشگفته ۱۴۵۰ خانوار بهره بردار است. حجم نمونه مورد مطالعه نیز با استفاده از فرمول ککران، ۱۳۸ نفر محاسبه شد و نمونه‌ها نیز بر اساس روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای» انتخاب شدند (منصورفر، ۱۳۷۶؛ سرمد و همکاران، ۱۳۷۶) (جدول ۱).

جدول ۱. تعداد نمونه‌های انتخابی در روستاهای مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	جامعه آماری	تعداد نمونه
۱	سگرآباد	۷۲۵	۶۹
۲	رودک	۳۲۶	۳۱
۳	رستم‌آباد	۱۵۷	۱۵
۴	یریجان	۱۳۶	۱۳
۵	حاجی‌عرب	۱۰۶	۱۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ابزار این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها در قالب پارادایم کمی دو نوع پرسشنامه بوده که به صورت مصاحبه تکمیل شده است. پرسشنامه نوع اول در حقیقت پرسشنامه روستا بوده که برای به دست آوردن اطلاعات کمی در روستاهای مورد مطالعه به کار رفته است. باید گفت که بخشی از داده‌های جمع‌آوری شده توسط این پرسشنامه در فاز کیفی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه دوم برای کسب اطلاعات مورد نیاز در خصوص هدفهای تحقیق در فاز کمی به کار رفته است و پاسخگویان در روستاهای پنجگانه به سئوالات آن پاسخ دادند. این پرسشنامه با توجه به هدف کلی و هدفهای اختصاصی تحقیق تنظیم شده و شامل پنج بخش است. بخش نخست ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌برداران را

...

مورد سؤال قرار می دهد. بخش دوم سئوالات به مقوله مشارکت (انواع مشارکت، سطوح مشارکت و نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی صنفی) اختصاص دارد. نظرسنجی درباره روند تغییرات ایجاد شده در فعالیتهای مشارکتی میان کشاورزان منطقه مورد مطالعه در مقاطع پیش و پس از اصلاحات ارضی و پس از انقلاب اسلامی، سومین بخش از پرسشنامه را تشکیل می دهد. بخشهای چهارم و پنجم پرسشنامه نیز به ترتیب به سئوالات مربوط به سازمان کشاورزان روستا به عنوان مدل پیشنهادی ترویجی برای نهادینه شدن مشارکت کشاورزان و نیز سئوالات مربوط به نظرسنجی در خصوص عوامل تأثیرگذار برای ایجاد سازمانهای کشاورزان در جوامع روستایی اختصاص دارد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده در این تحقیق نیز نرم افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفته است. بدیهی است که از روشهای آماری توصیفی و تحلیلی به منظور ارائه تصویری کلی از جامعه مورد مطالعه و دسته بندی گروههای آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگیهای آماری گوناگون استفاده شده است.

بحث و نتیجه گیری

یافتههای تحقیق در بخش کیفی نشاندهنده وجود زمینههای مشارکت گوناگون در سه مقطع قبل از اصلاحات ارضی، بعد از اصلاحات ارضی و پس از انقلاب اسلامی در منطقه مورد مطالعه بوده است. در همین حال مشاهدات و نتایج به دست آمده در این مرحله نشان می دهد که در هر یک از مقاطع مذکور، فرایند نهادینه شدن مشارکت کشاورزان تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار داشته و دچار فراز و نشیبهای مختلفی شده است.

بررسیها همچنین نشان می دهد که ترویج کشاورزی در مقاطع زمانی یادشده به شیوههای مختلفی فرایند مذکور را در منطقه مورد مطالعه تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که روند فعالیتهای ترویجی عمدتاً در جهت شکستن ساختارهای سنتی مشارکتی و حرکت به

سمت تشکلهای نوین تولیدی بوده است، بدون آنکه تاکنون استفاده مطلوبی از ظرفیتهای مشارکتی موجود در منطقه شده باشد.

نتایج یافته‌های تحقیق در بخش کمی نمایان می‌سازد که از میان متغیرهای مستقل مورد نظر تنها برخی از آنها مانند تعداد اعضای خانوار، مشارکت کشاورزان در مراحل اجرا، ارزشیابی، تسهیم منافع پروژه‌های مشارکتی و مشارکت مالی آنها در امور عمرانی و کشاورزی با میزان نهادینه شدن مشارکت رابطه‌ای مثبت و معناداری داشته‌اند.

در همین حال بین میانگین رتبه‌ای دیدگاه مخاطبان در مورد میزان نهادینه شدن مشارکشان برحسب برخی متغیرها مانند عضویت و یا عدم عضویت در بنه، طرح مرتعداری و تعاونی دامداری، شرکت در جلسات بنه و تعاونی روستایی و موقعیت کشاورزان در برخی تشکلهای تولیدی و صنفی تفاوت معناداری دیده شد.

همچنین بین دیدگاه مخاطبان از نظر میزان نهادینه شدن مشارکت آنها برحسب تأثیر عضویت در نهادهای مشارکتی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

با ملاحظه نتایج حاصل از مقایسه میانگین رتبه‌ای میزان نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی و صنفی برحسب نوع تشکل سنتی و یا نوین موجود جهت انجام امور مشارکتی در روستا در می‌یابیم که از این نظر نیز تفاوت معناداری بین دیدگاه مخاطبان وجود ندارد.

نتایج مقایسه میانگین رتبه‌ای میزان نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی و صنفی برحسب وجود یا نبود مردان توانا در روستا به عنوان مروج محلی مرد، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد در حالی که همین مقایسه در مورد زنان مروج تفاوت معناداری را نمایان نمی‌سازد.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز نشان داده است که شش عامل فضای نهادی، رهبری و مدیریت، ساختار، عملکرد، زمینه روستایی و پیوند بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس کل عوامل مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در قالب تشکلهای تولیدی و صنفی دارد.

...

سرانجام پس از تلفیق یافته‌ها در دو بخش کمی و کیفی تحقیق، مدل نهایی ترویج به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای صنفی و تولیدی طراحی شد (نمودار ۱). این مدل ضمن آنکه به تبیین رابطه بین تحقیق و ترویج پرداخته، نظام دانش و اطلاعات کشاورزی را در فضایی نهادی، با اتکا به تشکیلاتی به نام سازمان کشاورزان روستا به عنوان سنگ بنای فعالیتهای مشارکتی و نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در سطوح مختلف مورد توجه قرار داده است. از این مدل می‌توان در شرایط روستایی کشور، با در نظر گرفتن نیازهای مخاطبان و به کارگیری عناصر راهگشای موجود، استفاده کرد.

به این ترتیب در مدل دو سویه دانش و اطلاعات کشاورزی، که در جریان اجرای تحقیق حاضر و به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی طراحی شده، اجزایی وجود دارد که در زیر به شرح آنها می‌پردازیم:

سیاستهای کشاورزی: مجموعه‌ای از سیاستهای راهبردی بخش کشاورزی است که در قالب برنامه توسعه و براساس یک خط مشی کلان و راهبردی در زیر بخش‌های مختلف شکل گرفته و بر تمامی فرایندها، برنامه‌ها و راهکارهای آن تأثیر می‌گذارد. مهمترین سیاستهای کشاورزی عبارت است از: سیاست زراعت، سیاست باغبانی، سیاست امور دام، سیاست صنایع روستایی، سیاست منابع طبیعی، سیاست اقتصاد کشاورزی، سیاست مکانیزاسون کشاورزی، سیاست زنان روستایی، سیاست ترویج و نظام بهره‌برداری.

نمودار ۱. مدل ترویجی نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی صنفی

...

جامعه منبع - جامعه کاربر (تحقیق و ترویج - سطوح مختلف کشاورزان): نکته حائز اهمیت در مدل یاد شده این است که تمایزی در خور توجه بین آنهایی که فناوری را تولید می‌کنند (جامعه منبع شامل نهادهای تحقیق و ترویج) - که خود تحت تأثیر سیاستهای کلان کشاورزی قرار دارند- و آنهایی که آن را به کار می‌گیرند (جامعه کاربر شامل سطوح مختلف کشاورزان) وجود دارد. براین اساس، تبادل اطلاعات بین دو جامعه برای ایجاد و انتقال موفقیت آمیز فناوری ضروری است.

به این ترتیب ممکن است نه تنها دانشمندان بلکه سطوح مختلف کشاورزان، تولید کننده اطلاعات و فناوری باشند و جوامع منبع نیز هم از طرف کشاورزان و هم از طرف دیگر جوامع منبع (مانند دانشگاهها و سازمانهای غیر دولتی) کاربران اطلاعات و فناوری به حساب آیند. به عبارت دیگر، نقشهای دو جامعه کمتر دارای رفتار قالبی است و بیشتر قابل تبادل است. به عقیده رولینگ (Roling & Engel, 1990) نیز مدل‌های نظام دانش و اطلاعات کشاورزی باید بر اساس چنین پیوندهای دوسویه‌ای پایه گذاری شوند.

فرا ارتباطات (فرایند شکلگیری مشارکت نهادینه): پیوندهای مؤثر بین جوامع منبع و کاربر نمی‌تواند بدون ارتباط اولیه بین این دو جامعه ایجاد شود؛ ارتباطی که اولویتها را ایجاد می‌کند، اصول اولیه را مشخص می‌سازد، رسانه‌ها را سازگار می‌کند، و فهمی از فرایندهای داخلی و عوامل زمینه‌ای به دست می‌دهد. همان عاملی که ما در این تحقیق از آن با عنوان نهادینه شدن مشارکت یاد کرده ایم در حقیقت چیزی نیست جز پایداری مشارکت جامعه منبع و جامعه کاربر در قالب سازمانها و تشکلهای تولیدی سنتی و نوین (بنه، تعاونی تولید، گروه‌های کوچک کشاورزان و شورای اسلامی روستایی) که به وجود آورنده فضای نهادی در روستاها هستند. بررسیهای به عمل آمده در فاز کیفی این مطالعه نشان می‌دهد که فرایند نهادینه شدن مشارکت در روستاهای مورد مطالعه در پنجاه سال اخیر دچار تغییر و تحولات گوناگون شده است. نتیجه این تحولات نیز در جهت حذف تشکلهای تولیدی سنتی و تلاش برای ایجاد تشکلهای نوین بوده است، حال آنکه با حذف تشکلهای سنتی و سست شدن

پایه‌های آنها و غلبه نظام‌های نوین کشاورزی در منطقه و گرایش کشاورزان به کاشت انفرادی، به تدریج بسیاری از زمینه‌های مشارکت کشاورزان در فعالیتهای تولیدی از بین رفته و یا ماهیت خود را از دست داده است. در چنین شرایطی تشکلهای نوین نیز نتوانسته‌اند جایگزین خوبی برای تشکلهای سنتی باشند و به نظر می‌رسد که امروزه جمع‌جبری کاستیهای هر دو شیوه سنتی و نوین فقط بر دوش کشاورزی سنگینی کند. در این میان نیز نهاد ترویج کشاورزی به این تشکلهای تنها به عنوان تسهیلگر برنامه‌های خود می‌اندیشد نه حلال مشکلات کشاورزان. به این ترتیب به نظر می‌آید که در طراحی نظام دانش و اطلاعات کشاورزی باید از قابلیتهای هر دو نوع تشکلهای نوین و سنتی استفاده کرد. بر این اساس در مدل مذکور، فضای نهادی مورد نظر، که در نتیجه تعامل بین نهادهای مختلف در بستری سیستمیک به وجود می‌آید، «سازمان کشاورزان روستا» نامیده می‌شود. به علاوه با توجه به مشاهدات و یافته‌های محققان در اجرای دو فاز کیفی و کمی تحقیق مبنی بر داشتن کمترین نقش و تأثیر نهاد و تشکیلات ترویج کشاورزی در نهادینه کردن مشارکت کشاورزان و ایجاد و تقویت تشکلهای تولیدی و صنفی، پیشنهاد می‌شود که توجه به مقوله تشکلهای تولیدی و بهره‌مندی از تواناییها و قابلیتهای آنها در انجام امور مختلف ترویجی، تحقیقی و آموزشی به سرعت در دستور کار برنامه ریزان و مجریان محلی و منطقه‌ای قرار گیرد.

از سوی دیگر استفاده از توانایی و ظرفیت سازمانها و تشکلهای موجود اعم از سنتی و نوین تا هنگام به وجود آمدن ساختار نوین برای ساماندهی مشارکت کشاورزان در راستای تحقق هدفهای پیش‌بینی شده ضروری است. در این راستا با توجه به نظرسنجی‌های به عمل آمده از روستاییان، شوراهای اسلامی روستاها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در جلب مشارکت کشاورزان داشته باشند. گفتنی است که هاولاک از این ارتباطات اولیه با عنوان «فرا ارتباطات» یاد کرده است.^۱

۱. به منبع Roling & Engel, 1990 رجوع شود.

...

نیازها و مشکلات: به منظور تعیین اولویت زمینه های مورد علاقه کشاورزان برای مشارکت دادن آنها در برنامه های ترویجی و آموزشی بر اساس نیازها و مشکلات موجود در زیربخش های مختلف کشاورزی و نیز امور زیربنایی و اقتصاد کشاورزی، جامعه آماری مورد سؤال قرار گرفت. بدیهی است کشاورزان باید بتوانند در فضای نهادی ترسیم شده در قالب مشارکت نهادمند خود پاسخ مناسب برای حل این مسائل و مشکلات پیدا کنند. به این ترتیب بر اساس میزان علاقه مندی مخاطبان می توان از مشارکت نهادمند آنها به منظور رفع نیازها و مشکلاتشان بهره جست. واضح است که در مورد زمینه های مشارکتی، که در اولویتهای پایین تر قرار دارند، باید اقدامات ترویجی و ارشادی عمیقتر و گسترده تر صورت گیرد.

عناصر راهگشا: در تبیین «عناصر راهگشا» در نظام دانش و اطلاعات کشاورزی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکلهای تولیدی و صنفی، تحلیل عاملی بر روی ۵۴ عامل مؤثر بر مشارکت نهادمند کشاورزان صورت گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که شش عامل فضای نهادی، رهبری و مدیریت، ساختار، عملکرد، زمینه روستایی و پیوند بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس کل عوامل مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در قالب تشکلهای تولیدی و صنفی دارد.

عامل اول تحت عنوان «فضای نهادی» شامل موارد زیر است: متغیرهای دریافتی، گرایش به مالکیت جمعی، کم کاری ترویج، حمایت دولت از طرحهای مشارکتی مردمی، هماهنگی سازمانهای محلی، تسلط یک گروه خاص بر سازمانهای محلی، سادگی پیامهای ترویجی، آشنایی با زبان محلی، امنیت مالی و جانی، ارتباط صمیمانه کارگزاران ترویج با مردم، انتظار دریافت خدمات از دولت و مشارکت از پایین به بالا. وجود فضای نهادی منسجم، کارآمد و مبتنی بر ویژگیها و ساختار نظام دانش و اطلاعات کشاورزی بر تقویت روابط مورد نظر در مدل می افزاید.

به این ترتیب عامل «رهبری و مدیریت» عاملی است که باید برای ایجاد هماهنگی و برقراری روابط مبتنی بر نیازهای جامعه با توجه به توانمندیهای مشارکت کنندگان در

برنامه‌های ترویجی به کار گرفته شود. بدیهی است که در این زمینه نحوه برقراری ارتباط بین نهادهای بیرونی و درونی روستا و طبقات کشاورزان از طریق رهبری فعال، مشوق و انگیزه‌آفرین، با در نظر گرفتن ابعاد مدیریتی مبتنی بر شرایط و مقتضیات محلی، شناسایی می‌شود و از قدرت و نفوذ آنان در کشاورزان برای جلب و ساماندهی مشارکت آحاد جامعه استفاده می‌گردد. در بعد «ساختار» باید ضمن شناخت ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر روستا نسبت به بهره‌مندی از قابلیت و ویژگیهای مربوط به هر یک از زمینه‌های مذکور اقدام کرد و همچنین ضمن تقویت زیر بناهای موجود، به ایجاد ساختارهای جدید مبتنی بر شرایط و مقتضیات محلی مبادرت ورزید.

این در حالی است که نگاه تیزبینانه مشارکت کنندگان نسبت به «عملکرد» سازمانهای موجود نیز حائز اهمیت است. لذا پیشنهاد می‌شود نهاد سازمان دهنده مشارکت در روستاها (سازمان کشاورزان روستا) به طور منظم عملکرد خود را به اطلاع کشاورزان عضو برساند و ضمن ارزیابی مستمر برنامه‌ها به اصلاح و بهبود آنها پردازد. بدیهی است که تمامی این اقدامات باید در بستری مناسب انجام پذیرد که در مدل مذکور از آن با عنوان «زمینه روستایی» یاد شده است. در نهایت با توجه به عامل ششم یعنی «پیوند»، باید راهکاری مناسب به منظور برقراری پیوند مناسب بین اجزای نهادی شبکه دانش و اطلاعات کشاورزی یعنی تحقیق، ترویج و سازمانهای کشاورزان، شوراها، تعاونیها و دیگر نهادهای متولی توسعه روستایی و کشاورزی پیدا کرد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران
۲. سرمد، زهره و همکاران (۱۳۷۶)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه، تهران.
۳. صفی نژاد، جواد (۱۳۵۳)، بنه، انتشارات توس، تهران.

...
۴. منصورفر، کریم(۱۳۷۶)، روشهای آماری، دانشگاه تهران، تهران.

5. Bass, S.(1998), Participatory institutional development, SD dimensions, FAO.

6. Cabarrus, C. R. (1983) , Genesis of a revolution , Analysis of the origins and development of peasant organization in Elsalvador, Mexico Center for Investigations and Studies of Social Anthropology.

7. Chambers, R, A Pacey & L.N. Thrupp (1989), Farmer first, Intermediate Technology Publication.

8. Desai, G.R M.R , Reddy (1990) , Corporate strategy for agricultural management , *Journal of Rural Development* , 9 (3), 511-530.

9. Diao, M. (1979) , Problems and possibilities in institutionalizing the participation in rural communities in The development of African countries: the experience of Senegal , Reports, Studies Division for the Study of Development, UNESCO, NO. PAR. 23, 47pp.

10. FAO, (2002) , Sustainable rural development: Progress and challenges. Part 3: people's Participation , Sustainable Development Department (SD), Food and Agriculture Organization of the United Nations.

11. FAO, (1997 a) , Participation in practice , The People's Participation Program , Food and Agriculture Organization of the United Nations,2pp.
12. FAO, (1997 b). Why people's participation , Food and Agriculture Organization of the United Nations' Homepage, 4pp.
13. Hulme, D. (1990) , Agricultural technology development, agricultural extension and applied social research , *Journal of Sociologia Ruralis*, 3, 323-335.
14. Johnson, J.B. (1981) , Development and institutionalization of agricultural resource planning concepts and procedures in developing countries , *AID Research and Development Abstracts*, 9 (4), p22.
15. Pretty, J. (1995) , Regenerating agriculture , Earth Scan Publications, Ltd, London.
16. Roling, N. & P.G.H Engel (1990) , The development of concept of agricultural knowledge information systems (AKIS): Implications for extension , *Agricultural Extension: worldwide institutional evolution and forces for change*, edited by: W.M , Rivera & D.J. ,Gustafsan Elsevier Publisher. USA, 125- 137.
17. Roling, N. (1986) , Extension science , Elsevier Publisher , USA.
18. Roling, N. (1995) , What to think of extension? A comparison of three models of extension practice. Article for Francophone

...

issue of AERDD Bulletin. Edited by N. Salamna, ICRA, Montpellier Office.

19. Meryam, Sh. B. & et al. (2002), Qualitative Research in practice., BASS JOSSEY.

20. Meryam, Sh. B. (2001) , Qualitative research and case study, applications in education , BASS JOSSEY.

21. Santhanam, M.L. & et al. (1982) , Human and social factors in people's participation , *Journal of Rural Development*, Hyderabad, India, 770-831.

22. Stevenson, K.A.P. (1981) , Institution building is not an end in itself , *Ceres*, 14 (6), 21-23.

23. Swanson, B.E and et al. (1997) , Improving agricultural extension Food and Agricultural Organization of the United Nations, Rome.

24. Tschiersch, J.E. (1989) , Institutional causes of natural resource and environmental problems in rural areas of developing countries , Publications of the Research Center for International Agrarian Development, Heidelberg, 19, 35-51.

25. Uphoff, N. (1995) , Institutionalizing user participation in a system of linking among research, extension and farmers , Workshop on Extension Dynamics and Future Roles, Bogor, Indonesia, July 4-5.

26. Wieberdink, A. & A. Van. Ketel (1988) , Institutionalization of an environmental program in a Third World country: The establishment of an environmental institute in Nicaragua, *Development and Change*, 19 (1), 139-157.

27. Wijayaratna, C.M. (1994) , Institutionalization of participatory management: Sustainability of farmer organizations , *Journal of Asian Farm Systems Association*, 2, 205-223.

عناصر راهگشا